

رابطه رزق حرام با بزهکاری و تاثیر آن بر جلوه های فردی و اخلاقی اشخاص در آیات و روایات

عابدین درویش پور^۱

هادی کرامتی معز^۲

سامان عبدالهی^۳

حسین صمدیار^۴

چکیده

از دیدگاه اسلام مال حرام نسبت به مسائل و روابط اجتماعی و حق الناسی که بیش از هر چیز مورد توجه و احترام شارع مقدس است. تاثیر منفی بسیار دارد، که آثار آن را می توان با وضوح و تاکید قابل توجهی در منابع دینی و کلام بزرگان مشاهده کرد. استفاده از مال حرام موجب می شود تا انسان قادر به درک قبح گناهان و جرایم نباشد و مهر بر دل او زده شود. گسترش پدیده حرام خواری در جامعه به عنوان یکی از عوامل ازدیاد سایر جرایم مد نظر است. مقاله حاضر با بررسی این موضوع در صدد اثبات این رابطه در قران کریم و روایات بوده و سپس به عوارض پدیده حرام خواری در جامعه از جمله جرم زا بودن آن می پردازد. تاکید مقاله بر جنبه ها و آثار اجتماعی موضوع و وظایف حاکمیت در اهتمام به این مهم و مقابله با ریشه ها و عوامل گسترش این معضل اجتماعی بوده و کمتر به جلوه های فردی و اخلاقی موضوع می پردازد.

واژگان کلیدی

بزهکاری، رزق حرام، اخلاق، جرم.

۱- استادیار فلسفه و کلام، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران؛ نویسنده مسئول.

abdindarvishpor@yahoo.com

۲- مدرس دانشگاه و پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرمشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
keramatihadi@gmail.com

۳- مدرس دانشگاه و کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرمشناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی؛ کرج؛ ایران.
samanabdollahi1373@gmail.com

۴- دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی؛ فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان؛ واحد علوم و تحقیقات؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ تهران؛ ایران
hosseinsamadyar@yahoo.com

طرح مسأله

تحصیل مال خواسته یا ناخواسته دارای تبعاتی در زندگی خواهد بود که گریزی از آن نیست. لذا توصیه و سفارش فراوان شده است که: انسان باید به روزی خود بنگرد (عبس/۲۴) اسلام، همواره مردم را به بهره‌بردن از نعمت‌های پاک و حلال، سفارش نموده و از آیه ۱۶۸ سوره بقره استفاده می‌شود: «نیازهای طبیعی بشر، گاهی زمینه‌ای برای انحراف و تسلط شیطان است و بهره‌گیری از محرّمات و چیزهای پلید و ناپاک، پیروی کردن از شیطان است و شیطان، انسان را قدم به قدم منحرف می‌کند و وادار نمودن مردم به استفاده از حرام‌ها و بازداشتن آنان از نعمت‌های حلال، نمودی از دشمنی آشکار شیطان است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ۱: ۴۴۳)

ارتزاق از راه حلال یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اصیل هویت اسلامی و ادیان الهی است. ترویج کسب روزی حلال بعنوان یکی از اصلی‌ترین معیارهای زندگی دینی و تأثیر آن در زندگی فردی و زندگی اجتماعی از مهم‌ترین مباحث این موضوع می‌باشد. چرا که یکی از عوامل مهم در پیدایش گناهان، لقمه‌ی حرام است که با از بین بردن نورانیت دل، انسان را در روی آوردن به بزهکاری، گستاخ می‌سازد. اگر ناهنجاریهای اجتماعی در جامعه وجود دارد، ریشه‌های آن به لقمه‌های نامشروع برمیگردد. رشد شرکت‌های هرمی، گزارش‌های نگران‌کننده از سرقت‌ها و بزه‌کاری‌های اجتماعی، بالا رفتن میزان خشونت و بروز رفتارهای غیراخلاقی، بی‌بند و باری و آمارهای نگران‌کننده از وضعیت خانواده‌ها، غالباً حاکی از عدم توجه والدین به محیط آموزشی و فرهنگی نهاد خانواده و برعکس توجه بیش از حد به تأمین نیازهای مادی زندگی از طریق کار بیشتر و یا عدم توجه به ضوابط دینی در کسب و درآمد اقتصادی دارد.

کسانی که دنیاگرا هستند، به مال دنیا دل می‌بندند و می‌کوشند تا از هر راهی هرچند نامشروع آن را به دست آورند و گاه در لباس دین و مذهب، به توجیه می‌پردازند تا مال حرام را برای خود حلال و مشروع سازند. خداوند در آیاتی از قرآن به مسئله مال‌های حرام، علل و زمینه‌های گرایش به آن و آثارش توجه داده است.

آن چه در ادامه می‌آید بیان آثار لقمه حرام است که راه فراری از آن نیست. به این امید که این نکات هشدار دهنده باشد برای همگان تا بیش از پیش در نوع و راه آنچه به دست می‌آوریم دقت کنیم. نکته آخر این که فراموش نکنیم که، پیشگیری همیشه به خصوص در این مورد بهتر و آسان‌تر از درمان است.

بند اول: کلیات

الف) تعریف حرام خواری

حرام خواری معنای وسیع و گسترده ای دارد که هر گونه تصرفی را شامل می شود، و در واقع این تعبیر کنایه ای است از انواع تصرفات، و خوردن یک مصداق روشن آن است. و به عنوان سمبل تصرف یاد می شود بنابراین هر گونه تصرف حرامی مصداق اکل به حرام است و تأثیراتی که براب خوردن مال حرام می آید را خواهد داشت. خداوند در قرآن می فرماید: وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره البقره، ۱۸۸) و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)!

« در این که منظور از باطل در اینجا چیست، تفسیرهای مختلفی ذکر کرده اند، بعضی آن را به معنی اموالی که از روی غصب و ظلم به دست می آید دانسته اند. و بعضی اشاره به اموالی که از طریق قمار و مانند آن فراهم می گردد. و بعضی آن را اشاره به اموالی می دانند که از طریق سوگند دروغ (و انواع پرونده سازی های دروغین به دست می آید. ولی ظاهر این است که مفهوم آیه عمومیت دارد و همه این مسائل و غیر اینها را شامل می شود، زیرا باطل که به معنی زایل و از بین رفته است، همه را در بر می گیرد، و اگر در بعضی از روایات، از امام باقر علیه السلام تفسیر به سوگند دروغ، و در روایتی از امام صادق علیه السلام تفسیر به قمار شده است، در واقع از قبیل بیان مصداقهای روشن است. بنا بر این هر گونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و به ناحق مشمول این نهی الهی است. تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی کند و پایه و اساس عقلایی ندارد مشمول این آیه است. « (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴)

علاوه بر این بر خوردنی هایی که صرف نظر از هر امر دیگر ارتزاق از آن حرام است مانند شراب و میته نیز حرام خواری صدق می کند. خداوند در سوره مائده، آیه ۹۰ می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. ای کسانی که ایمان آورده اید! همانا شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه، پلید و از کارهای شیطان است، پس از آنها بپرهیزید، تا رستگار شوید.

همچنین خداوند در سوره النحل، آیه ۱۱۵ می فرماید: إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. جز این نیست که (خداوند) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا (به هنگام ذبح) بر آن برده شده، بر شما حرام کرده است، پس هر کس (به خوردن اینها) ناچار شود، بدون آنکه (قصد) تجاوز و تعدی (به حکم خداوند) داشته باشد و یا (از نیاز ضروری) تجاوز کند، (مانعی برای خوردنش نیست) زیرا که خداوند بخشنده مهربان است.

اسلام خوردن چیزی را اجازه می دهد که هم طیب باشد و هم حلال. چیزهایی مثل شراب

و گوشت خوک ممنوع است، چون ذاتاً خبیث و ناپاک است. و چیزهایی که با پول غصبی خریداری شود، گرچه خودش طیب باشد، ممنوع است چون حرام است.

بنابراین استفاده و ارتزاق از مالی که از غیر طریق مشروع حاصل گردد درآمد حرام محسوب می شود. مانند ربا، تصرف غیر مجاز در اموال دیگران از قبیل غصب، سرقت، احتکار، قمار، رشوه، سحر، غنا، و به طور کلی در آمد حاصل از شغل های حرام همچنین درآمدهای حاصل از معاملات حرام مانند فروش و یا اجاره چیزهایی که در راه حرام استفاده می شود. مانند آلات قمار یا فروش طلا برای استفاده مردان یا خرید و فروش ترقه و مواد منفجره که موجب اذیت و آزار دیگران می شود یا فروش عکس، نوار یا فیلم و سی دی های مبتذل. و نیز درآمد از راه هایی که منع قانونی دارد مانند قاچاق اجناس و کالاها.

ب) تعریف بزه یا جرم

بزه یا جرم در لغت به معنی گناه، خطا، عصیان و نافرمانی آمده است. (معین، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۲۸) در حقوق جزا معیار و ملاک عمل مجرمانه، تعیین مجازات در قانون است چنان که هر رفتاری را که قانونگذار در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته، جرم و سایر اعمال، فاقد وصف جزایی و غیر مجرمانه هستند. برخی تعاریف نیز به مبانی جرم انگاری مانند مغایرت عمل ارتكابی با احساسات شرافت مندانه، بر خلاف وجدان عمومی بودن، نقض آرامش عمومی و مخالفت با نظم اجتماعی پرداخته اند. (فیض، ۱۳۷۰، ص ۶۹)

از آن جا که جرم شناسی در صدد شناسایی و براندازی عوامل جرم زاست لذا نه تنها جرائم بلکه کلیه انحرافات و رفتارهای ضد اجتماعی را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد و مقابله با ریشه ها یا واکنش لازم در مقابل آنان را امری ضروری می داند. در جرم شناسی، حالت خطرناکی فردی که در شرف ارتكاب جرم است و از اهمیت بسیاری برخوردار است، برای مثال جرم شناسی، خودکشی، قمار، رباخوری، استعمال مشروبات الکلی و غیره را اگرچه در قوانین بعضی از کشورها جرم شناخته نشده باشد مورد بحث قرار می دهد و ارتباط آن را با جرائم دیگر ارزیابی می کند.

اما جرم از نگاه حقوق چنان که اشاره شد، عملی است که قانون گذار برای آن مجازات در نظر گرفته است. نگاه حقوق جزا به جرم، یک نگاه حقوقی است به گونه ای که همه چیز را از زاویه دید قانون گذار مد نظر قرار می دهد. از این منظر وقتی سوال می شود جرم چیست؟ پاسخ آن است که هرچه قانون گذار بگوید. بنابراین وقتی واژه جرم را در حقوق جزا به کار می بریم بلافاصله عنصر قانونی، عنصر مادی و عنصر روانی آن در ذهن مورد سوال واقع می شود که آیا محقق شده است یا خیر؟

در هر حال تعریف جرم در جرم شناسی وسیع تر است از جرمی که در قانون جزا مطرح

است؛ چرا که پدیده جرم یا مجرمانه علاوه بر جرم به معنای قانونی، انحراف اجتماعی - اخلاقی را نیز در بر می گیرد. جرم شناس برای تعریف جرم، طبیعتاً به آنچه که منابع قانون را تشکیل می دهد؛ اعم از این که این منابع عرفی باشند و یا شرعی و مذهبی، مراجعه می کند. به عنوان مثال شخص دروغ گو به جز در موارد استثنایی مثل شهادت دروغ، از نظر جزایی مجرم نیست ولی از نظر جرم شناسی مجرم است. بنابراین می بینیم که این تعریف وسیع از جرم، به موضوع جرم شناسی هم وسعت می بخشد. پس جرم شناسی تنها به ضمانت اجرای کیفری که در قانون پیش بینی شده نمی پردازد، یعنی علاوه بر مجازات و سرکوبی، به مساله پیشگیری هم توجه دارد. در حقوق جزای اسلام مفهوم لغوی جرم عبارت از کار ناپسند، نافرمانی و گناه بوده و با مفهوم اصطلاحی آن فاصله چندانی ندارد و در اصطلاح عبارت است از انجام دادن فعل یا گفتن سخنی که قانون اسلام آن را حرام شمرده، و بر فعل آن کیفر (یکی از مجازاتهای حدود، قصاص، دیات و یا تعزیرات) مقرر داشته است یا ترک فعل یا قول که قانون اسلام آن را واجب شمرده و بر آن ترک، کیفر مقرر داشته است. برخی از فقهاء نیز جرم را عبارت از امور ممنوع شرعی دانسته اند که خداوند به وسیله کیفر حد یا تعزیر مردم را از ارتکاب آن باز می دارد. البته کیفر حد در مفهوم عام خود مورد نظر بوده که شامل قصاص و دیات نیز می شود و مقصود مجازات های معین است. (قائمی، ۱۳۶۶، ص ۳۰)

ج (مفهوم بزهکاری

پیدایش جرم شناسی به عنوان شاخه ای از علم و دانش ونه صرفاً تبیین یک سری اطلاعات و معلومات راجع به آن چه قانون گذار گفته، بزهکاری به عنوان یک فرایند تحقق بزه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در این جا به جای پرداختن به نگرش قانون گذار و نحوه واکنش کیفری علیه بزه، موضوعاتی چون علل و عوامل پیدایش این پدیده و تدابیر کنشی در مقابله با آن مد نظر واقع شد. برخلاف رشته حقوق کیفری که جنبه دستوری دارد، یعنی منشأ آن قانون است، علوم جرم شناختی که پس از آن ها به وجود آمده اند جنبه غیر تقنینی دارند و مجموعه جرایم را آن طور که در واقعیت اجتماعی و خارج از متن حقوق جزا اتفاق می افتد مطالعه می کنند. از سوی دیگر حقوق جزا به انگیزه های مجرمانه کمتر توجه دارد اما جرم شناسی انگیزه ها را نیز به دقت مد نظر قرار می دهد.

مفهوم دیگری نیز برای بزهکاری مد نظر قرار گرفته است. در بسیاری از کشورها، میزان مجرمیت سالانه ملاک علمی مقایسه قرار می گیرد. بزهکاری از این نگاه عبارت از مجموعه جرایمی است که در یک کشور معین و در یک زمان مشخص به وقوع می پیوندد. میزان بزهکاری بر حسب آن که مجرمیت ظاهری مجرمیت قانونی و یا مجرمیت واقعی را در نظر گیریم، نه تنها از کشوری به کشور دیگر بلکه در داخل یک کشور نیز بایکدیگر متفاوت و بعضاً

اختلافی فاحش دارد. از این منظر وقتی واژه بزهکاری به کار می رود منظور توده جرایم واقع شده در زمان و مکان معین است.

بند دوم: آثار رزق حلال و طیب بردوری از بزهکاری

با عنایات به آیات قرآن و روایات اسلامی رزق حلال و طیب تاثیر به سزایی بر دوری از بزهکاری دارد همچنان که رزق حرام در ارتکاب بزه نقش اساسی دارد که در این بند هر دو امر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

الف) رزق طیب و برتری انسان بر سایر موجودات

خداوند در قرآن می فرماید: **وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (اسراء، ۷۰)**

ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزی های پاکیزه به آن ها روزی دادیم، و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم.

از این آیه استفاده می شود برتری انسان بر سایر موجودات با رزق طیب ارتباط دارد.

« از آنجا که یکی از طرق تربیت و هدایت، همان دادن شخصیت به افراد است، قرآن

مجید در اینجا به بیان شخصیت والای نوع بشر و مواهب الهی نسبت به او می پردازد، تا با توجه به این ارزش فوق العاده به آسانی گوهر خود را نیالاید و خویش را به بهای ناچیزی نفروشد،

سپس به سه قسمت از مواهب الهی، نسبت به انسان ها اشاره کرده که با توجه به وسعت مفهوم کلمه طیب که هر موجود پاکیزه ای را شامل می شود، گستردگی این نعمت بزرگ الهی آشکار

می گردد. در این که خداوند انسان را به چه چیز گرامی داشته که در آیه فوق به طور سربسته می گوید ما انسان را گرامی داشتیم، در میان مفسران گفتگو است، بعضی به خاطر اعطای قوه

عقل و نطق و استعداد های مختلف و آزادی اراده می دانند. بعضی اندام موزون و قامت راست. بعضی موهبت انگشتان که انسان با آن بسیار کارهای ظریف و دقیق را می تواند انجام دهد و

همچنین قدرت بر نوشتن دارد. بعضی به اینکه انسان تقریباً تنها موجودی است که می تواند غذای خود را با دست بخورد. بعضی به خاطر سلطه او بر تمام موجودات روی زمین. و بعضی به

خاطر شناخت خدا و قدرت بر اطاعت فرمان او می دانند. ولی روشن است که این مواهب در انسان جمع است، و هیچگونه تضادی با هم ندارند، بنا بر این گرامی داشت خدا نسبت به این

مخلوق بزرگ با همه این مواهب و غیر این مواهب است. خلاصه این که انسان امتیازات فراوانی بر مخلوقات دیگر دارد که هر یک از دیگری جالب تر و والاتر است. و روح انسان علاوه بر

امتیازات جسمی مجموعه ای است از استعداد های عالی و توانایی بسیار برای پیمودن مسیر تکامل بطور نامحدود. « (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱۲: ۱۹۷)

ب) رزق طیب و عمل صالح

خداوند در قران می فرماید: يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (مومنون، ۵۱) ای پیامبران از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید که من به آنچه انجام می دهید آگاهم.

با توجه به اینکه نوع تغذیه در روحيات انسان مسلماً مؤثر است و غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد ارتباط این دو جمله روشن می شود که می فرماید: از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ۲۵۵)

ج) ارتباط رزق حلال و طیب و تقوی و خود کنترلی

در بسیاری از آیات قران رزق حلال به عنوان مقدمه تقوی و خود کنترلی تبیین شده است و نشانگر ارتباط رزق حلال و طیب با انجام صالحات که همان اعتدال و قرار گرفتن در مسیر هدایت الهی و عدم تبعیت از گام های شیطان و انحرافات است می باشد که به برخی از این آیات اشاره می کنیم:

(۱) وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (مائده، ۸۸)

از آنچه خداوند به شما روزی داده است حلال و پاکیزه بخورید (وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالاً طَيِّباً). تنها شرط آن این است که رعایت اعتدال و تقوا و پرهیزگاری در بهره گیری از این مواهب را فراموش نکنید، لذا می گوید: (وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ) یعنی ایمان شما به خدا ایجاب می کند که همه دستورات او را محترم بشمرید، هم بهره گرفتن و هم رعایت اعتدال و تقوی. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۵، ۶۲)

(۲) فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انفال، ۶۹)

پس اکنون از هر چه غنیمت گرفتید بخورید حلال و گوارای شما باد، و خداترس و پرهیزکار باشید، که خدا آمرزنده و مهربان است.

(۳) وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمُ بَيِّنَاتٍ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقاً مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره البقره ۱۸۸)

ترجمه: و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می دانید (این کار، گناه است)!

« جالب این که بعضی از مفسران گفته اند: قرار گرفتن آیه مورد بحث بعد از آیات روزه (آیات ۱۸۲-۱۸۷) نشانه یک نوع همبستگی در میان این دو است، در آنجا نهی از خوردن و آشامیدن به خاطر انجام یک عبادت الهی می کند، و در اینجا نهی از خوردن اموال مردم به ناحق که این هم نوع دیگری از روزه و ریاضت نفوس است، و در واقع هر دو شاخه هایی از تقوا

محسوب می‌شود، همان تقوایی که به عنوان هدف نهایی روزه معرفی شده است.^۱ « (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵)

« در این که منظور از باطل در اینجا چیست، تفسیرهای مختلفی ذکر کرده‌اند: بعضی آن را به معنی اموالی که از روی غصب و ظلم به دست می‌آید دانسته‌اند. و بعضی اشاره به اموالی که از طریق قمار و مانند آن فراهم می‌گردد. و بعضی آن را اشاره به اموالی می‌دانند که از طریق سوگند دروغ و انواع پرونده‌سازی‌های دروغین به دست می‌آید.

ولی ظاهر این است که مفهوم آیه عمومیت دارد و همه این مسائل و غیر اینها را شامل می‌شود، زیرا باطل که به معنی زایل و از بین رفته است، همه را در بر می‌گیرد، و اگر در بعضی از روایات، از امام باقر علیه السلام تفسیر به سوگند دروغ، و در روایتی از امام صادق علیه السلام تفسیر به قمار شده است، در واقع از قبیل بیان مصداقهای روشن است.

بنا بر این هر گونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و به ناحق مشمول این نهی الهی است. تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی‌کند و پایه و اساس عقلایی ندارد مشمول این آیه است. « (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴)

۴) يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره، ۱۶۹ و ۱۶۸)

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه بخورید، و از گامهای شیطان پیروی نکنید، چه این که او دشمن آشکار شما است. او شما را فقط به بدی‌ها و انحرافات فرمان می‌دهد (و نیز دستور می‌دهد) آنچه را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید.

« (كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا) این جمله اباحه‌ای عمومی و بدون قید و شرط را آماده می‌کند، چیزی که هست جمله: (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ) الخ، می‌فهماند که در این میان چیزهای دیگری هم هست که نامش خطوات شیطان است و مربوط به همین اکل حلال طیب است، و این امور، یا مربوط به نخوردن بخاطر پیروی شیطان است و یا خوردن بخاطر پیروی شیطان است و چون تا اینجا معلوم نکرد که آن امور چیست؟ لذا برای اینکه ضابطه‌ای دست داده باشد که چه چیزهایی پیروی شیطان است؟ کلمه سوء و فحشاء و سخن بدون علم را خاطر نشان کرد و فهماند که هر چیزی که بد است، یا فحشاء است یا بدون علم حکم کردن است، پیروی از آن، پیروی شیطان است. « (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۳۳) بنابراین « پس از این که خداوند تناول کردن را مباح گردانید به بیان این که آن خوردنی باید دارای چه وصفی باشد پرداخت چون در میان خوردنی‌ها حلال و حرام هر دو وجود دارد و حرام موجب هلاکت و حلال باعث

نیرومندی بر انجام عبادت است و در صورتی غذای انسان حلال خواهد بود که جز محرّمات ذاتی نباشد و حقّ غیر بر آن تعلّق نگرفته باشد. «ستوده ، ۱۳۶۰ ، ج ۲ ، ۱۵۷)

(۵) وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَهُ وَ فَرُشًا كُلُّوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (انعام ، ۱۴۲) (و او کسی است که) از چهارپایان برای شما حیوانات باربر و حیوانات کوچک آفرید، از آنچه او به شما روزی داده است بخورید و از گامهای شیطان پیروی ننمائید که او دشمن آشکار شما است . در ذیل آیه ۱۶۸ سوره بقره درباره جمله كُلُّوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ توضیح داده شد.

(۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * وَ اتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ * وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ * (آل عمران، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۰)

ای کسانی که ایمان آورده اید ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید. * و از آتشی بپرهیزید که برای کافران آماده شده است. * و خدا و پیامبر را اطاعت کنید تا مشمول رحمت شوید.

در این آیه شریفه ترک ربا به عنوان مقدمه تقوی تبیین شده است . بنابراین از آیات قرآن استفاده می شود: رزق حلال انسان را مقید به انجام وظایف دینی می کند و او را از گناه و معصیت باز می دارد .

بند سوم) رابطه رزق حرام با بزهکاری

در قرآن کریم که کتاب هدایت و سعادت بشر است ، درباره ی آسیب ها و پیامد های حرام خواری و راه کارهای پیشگیری از آن مطالب ارزشمندی بیان شده است . تخلف از قوانین الهی، جامعه را به فساد و تباهی می کشاند و زمینه ی بروز انواع گناهان در جامعه را پدید می آورد. از نظر دین مقدس اسلام حلال خواری باعث سلامت فرد و جامعه است . گرچه در دید ظاهری فرقی بین غذای حلال و حرام نیست؛ اما لقمه حرام تأثیری بر جان آدمی دارد که کشف آن از محدوده علوم ظاهری بشر خارج است، و وظیفه ادیان الهی، بیان همین امور باطنی است که در دسترس بشر نیست این که حرام خواری چه اثرات سویی بر جان و دل آدمی دارد، بحث مفصلی است؛ ولی اجمالاً باید دانست که بسیاری از گناهان، ریشه در آلودگی روح آدمی دارد و لقمه حرام، همانند آب آلوده که جسم را بیمار می کند، جان آدمی را آلوده می سازد. وقتی جان انسان آلوده گشت، نه تنها هیچ عبادت و دعایی از انسان مورد قبول واقع نمی شود؛ بلکه ناخواسته در سراشیبی سقوط قرار می گیرد .

خوردن مال حرام یا همان لقمه حرام ؛ خواه ناخواه آثاری را در پی دارد که می توان آن ها را با وضوح و تاکید قابل توجه ای در منابع دینی و کلام بزرگان آیین مشاهده کرد آنچه در ادامه می آید آثاری است که اثرات لقمه حرام است و فراری از آن نیست. به این

امید که این نکات هشدار دهنده برای همگان تا پیش از پیش در نوع و راه آنچه به دست می‌آوریم دقت کنیم. نکته آخر اینکه فراموش نکنیم که، پیشگیری همیشه به خصوص در این مورد بهتر و آسان‌تر از درمان است.

الف) رزق حرام و سقوط در پرتگاه ضلالت و گمراهی

سرنوشت فرد و جامعه به هم پیوسته است لذا خوشبختی و سعادت افراد به سیر حرکت جامعه نیز بستگی دارد در جامعه‌ای که هر فرد فقط به خود و منافع شخصی خود می‌اندیشد و به آینده و سرنوشت دیگران کاری ندارد و به تعبیری حس مسئولیت اجتماعی در افراد وجود ندارد سیاست کفیری امری بی نتیجه و کم تاثیر است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ان الانسان لفسخسر الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر. (عصر، ۳ و ۲) انسان در خسران و زیان است مگر کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند و همدیگر را به حق و صبر سفارش و توصیه نمایند.

در واقع مصونیت از خسران به سبب ایمان است که در عرصه عمل به صورت عمل صالح و ترک معصیت خود را نشان می‌دهد. و البته گمراهی یک انسان و سقوط او در ورطه گناه و بزهکاری بر سرنوشت جامعه تاثیر گذار است.

آیاتی از قرآن دلالت بر رابطه رزق حرام و ضلالت و گمراهی افراد دارد که عاقبت این گمراهی و انحراف از حقیقت کفیری است که خداوند برای آنها در نظر گرفته است و بد عاقبتی است عاقبت کسانی که نشانه‌ها ی او را نادیده بگیرند و با کتمان آن چه خداوند نازل کرده است درآمد ناچیزی کسب نمایند که خداوند درباره این گروه می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره، ۱۷۴) آنان که پنهان دارند آیاتی از کتاب آسمانی را که خدا فرستاده بود و آن را به بهای اندک فروشند، جز آتش جهنم در شکم نمی‌برند و در قیامت خدا با آنها سخن نگوید و (از پلیدی عصیان) پاکشان نگرداند، و هم آنان را در قیامت عذابی دردناک خواهد بود.

همان گونه که عاقبت کسانی که به ظلم اموال یتیمان را می‌خورند این گونه تبیین شده است و خداوند به صراحت بیان می‌دارد: إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا (نساء، ۱۰) آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد.

و البته روایات زیادی نیز دلالت بر این مطلب دارند که رزق حرام انسان را جهنمی می‌کند: پیامبر (ص): کل لحم نبت من حرام فالنار اولی به. (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۱۰۳: ۱۱) هر گوشتی که بروید بر تن انسان که از حرام تهیه شده باشد آتش به آن سزاوارتر است.

پیامبر (ص): هر کس در تحصیل مال بی پروا باشد یعنی رعایت حلال و حرام را نکند خدا هم باکی ندارد که از کدام در به جهنمش اندازد. (همان)
 پیامبر: هر کس مالی را از راه حرام کسب کند اگر صدقه دهد از او قبول نمی شود و اگر پس انداز کند توشه جهنمش می شود (همان ، ص ۱۴)
 ب (رزق حرام و از بین رفتن قوه خود کنترلی و تقوا
 خباث و محرمات باعث از بین رفتن قوه خود کنترلی و تقوا و توجه انسان به واقعیات
 زندگی و عدم درک صحیح مصالح خود می شود .

برخی انسان ها از راه نوشیدن شراب و یا مصرف مواد مخدر خود را وارد دنیای بی خیالی و بی تفاوتی می کنند، غفلت از خدا، غفلت از وظیفه، غفلت از محرومان، غفلت از آینده، غفلت از امکانات و استعدادها، غفلت از دشمنان، غفلت از نفس و شیطان. انسان امروز با آن همه پیشرفت در علم و تکنولوژی، در آتشی که از غفلت او سرچشمه می گیرد، می سوزد. آری، غفلت از خدا، انسان را تا مرز حیوانیت، بلکه پایین تر از آن پیش می برد. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» امروزه استعمارگران برای سرگرم کردن و تخدیر نسل جوان، از همه ای امکانات، برای اهداف استعماری خود سود می جویند.

شراب و قمار، هر دو عامل فساد جسم و روح و مایه ی غفلت هستند. لذا در قرآن در کنار هم مطرح شده اند.^۱

با تحریم شراب، از عقل و فکر، و با تحریم قمار، از آرامش و سلامتی روحی و اقتصادی پاسداری شده است. شراب دنیوی، عقل انسان را زایل می کند و او را به یابوهدگی و بیهوده گویی می کشاند، علاوه بر آنکه موجب تحریک قوای جنسی گشته و انسان را به گناه سوق می دهد. در تفسیر نمونه در باب زیان های شراب و قمار آمده است: گسترش فساد اخلاقی و بالا رفتن آمار جنایات از قبیل: سرقت، ضرب و جرح، جرائم جنسی و افزایش خطرات و حوادث رانندگی. از یکی از دانشمندان نقل شده است که اگر دولت ها نیمی از شراب فروشی ها را ببندند، ما نیمی از بیمارستان ها و تیمارستان ها را می بندیم. قمار نیز از جمله عوامل هیجان، بیماری های عصبی، سکت های مغزی و قلبی، بالا رفتن ضربان قلب، بی اشتها، و رنگ پریدگی و ... است. همچنان که بررسی کنندگان، سی درصد آمار جنایات را مرتبط با قمار دانسته اند. در ضمن قمار، در شکوفایی اقتصادی نقش تخریبی داشته و نشاط کار مفید را از بین می برد. در بعضی از کشورهای غیر اسلامی نیز در سال های قمار را ممنوع و غیر قانونی اعلام کرده اند. مثلاً انگلستان

۱- «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ ... رَجُسُ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ» مانده، ۹۰.

در سال ۱۸۵۳، شوروی در سال ۱۸۵۴ و آلمان در سال ۱۸۷۳ قمار را ممنوع اعلام کردند. (قرائتی، ۱۳۹۰، ۱: ۳۴۲)

امام صادق علیه السلام درباره علت حرمت خمر فرمودند:

وَأَمَّا الْخَمْرُ فَإِنَّهُ حَرَمَهَا لِقَطِّهَا وَفَسَادِهَا وَقَالَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ يُورِثُ الْإِرْتِعَاشَ - وَيَذْهَبُ بِنُورِهِ وَيَهْدِمُ مَرْوَةَ نَبِيِّهِ وَيَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسُرَ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سَفْكِ الدِّمَاءِ وَرُكُوبِ الزَّانَا وَ لَا يُؤْمَنُ إِذَا سَكِرَ أَنْ يَثْبَغَ عَلَى مَنْ حَرَمَهُ وَ لَا يَعْقِلُ ذَلِكَ وَ الْخَمْرُ لَا تَزِيدُ شَارِبَهَا إِلَّا كُلَّ شَرٍّ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۳۵)

و اما حرمت شراب به خاطر اثری است که شراب دارد، و فسادی که در عقل و در اعضای بدن می‌گذارد، آن گاه فرمود: دائم الخمر مانند کسی است که بت می‌پرستد، و شراب او را دچار ارتعاش ساخته نور ایمان را از او می‌برد، و مروتش را منهدم می‌سازد، و ادارش می‌کند به اینکه هر گناهی چون قتل نفس، و زنا را مرتکب شود، او حتی ایمن از این نیست که در حال مستی با محارم جمع شود، در حالی که خودش متوجه نباشد، که چه می‌کند، و شراب، کار نوشنده‌اش را به ارتکاب هر نوع شر و گناه می‌کشاند.

با شنیدن این تحلیل و مشاهده نمونه‌های خارجی این نتیجه به دست می‌آید که شراب و هرنوع مست‌کننده‌ای روح انسانی انسان را می‌میراند و از او موجودی به مراتب بدتر و پست از حیوان می‌سازد که حتی به خانواده خود هم رحم نکرده و آن‌ها را نیز مورد تعرض قرار می‌دهد.

ج (به هم خوردن تعادل جامعه و ایجاد اختلافات طبقاتی و پیدایش فقر و قحطی

ربا تعادل جامعه را به هم زده و موجب تقسیم جامعه به دو قطب مستکبر و مستضعف می‌شود. سفارش به انفاق و منع از اسراف و تبذیر، بهترین راه برای حل اختلافات طبقاتی است. همچنان که پیدایش و گسترش ربا، زمینه ساز و بوجود آورنده‌ی طبقات است. لذا در قرآن آیات لزوم انفاق و تحریم ربا در کنار هم آمده است. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ۴۰۶) همچنین ربا دهنده به جهت بدهی‌های تصاعدی، گاهی ورشکست و مجبور به قبول انواع ذلت‌ها و اسارت‌ها می‌شود. از این رو وجود ربا در سیستم بانکی، زینده نظام اسلامی نیست، زیرا ربا علاوه بر حرمت شرعی، تزریق لقمه حرام به جامعه است و بانک‌ها باید از آلوده شدن به آن خودداری کنند.

اگر برنامه‌های بانک داری اسلامی به نحو احسن و مطابق با شرع مقدس اجرا شود، آثار و برکاتش برای همگان به خصوص ضعفا و فقرا بسیار زیاد است. متأسفانه هنوز هم در بعضی بانک‌های کشور، بانک داری اسلامی به نحو احسن اجرا نمی‌گردد و بعضی از بانک‌ها به بنگاه‌های تجاری سودآور برای عده‌ای خاص تبدیل گشته است و منافع عمومی مردم را در نظر نمی‌گیرند.

با عنایت به آیه ۲۷۵ سوره بقره: رباخوار، به کسی تشبیه شده که شیطان او را خبط کرده است.^۱ و رباخوار در قیامت همچون دیوانگان محشور می شود، چرا که در دنیا روش او باعث بهم خوردن تعادل جامعه گردیده است. ثروت پرستی، چشم عقلش را کور کرده و با عمل خود چنان اختلافات طبقاتی و کینه را بر می انگیزد که فقر و کینه سبب انفجار شده و اصل مالکیت را نیز متزلزل می کند. برای این افراد، گویا ربا اصل و خرید و فروش فرع است، فلذا می گویند: بیع و معامله هم مثل رباست و تفاوتی ندارند. رباخواران، از تعادل روحی و روانی برخوردار نیستند و جامعه را نیز از تعادل اقتصادی خارج می سازند.

گاهی امور اقتصادی زمینه ی گناه می شود که این زمینه ها بر دو گونه اند:

۱- سرمایه و ثروت.

۲- فقر و تهیدستی

گاهی انسان از بی پولی طغیان می کند، و گاهی بر اثر ثروت زیاد و بادآورده طغیان می نماید.

آیات و روایات در این باره بسیار است، سخن ما این است که سرمایه و ثروت گاهی زمینه ساز فساد و گناه می شود، نه اینکه دلیل فساد و گناه باشد آنگونه که کمونیست ها می گویند. و فرق است بین زمینه و علت، به عبارت روشنتر، سرمایه علت گناه نیست بلکه در مواردی انسان را متمایل و مشتاق گناه می کند.

در قرآن می خوانیم: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» (علق ۶ و ۷) «و همانا انسان طغیان می کند، بخاطر اینکه خود را بی نیاز می بیند.»

این آیه نمی گوید که داشتن پول و ثروت علت و عامل فساد است بلکه می گوید اگر انسان خودش را بی نیاز و پولدار ببیند یا غی می شود. ولی اگر این دید و بینش را نداشته باشد سرمایه علت فساد نخواهد شد.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَرْبَعٌ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا خَرِبَ وَ لَمْ يُعْمَرْ بِالْبِرِّ كَالْخِيَانَةِ وَ السَّرِقَةِ وَ شُرْبِ الْخَمْرِ وَ الزَّوْنِ» (صدوق، امالی، ۲۳۹)

رسول خدا (ص): چهار است که یکی از آنها هم که در خانه ای درآید ویرانش کند و به برکت آباد نشود: خیانت و دزدی و می خواری و زنا. همچنین ایشان فرمودند: امانت ثروت آوردن و خیانت درویشی. (مجلسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۱۱۰) و «هر گروهی ربا میانشان رواج گیرد به قحطی مبتلا شوند، و هر گروهی رشوه میانشان رواج گیرد به ترس دچار شوند.» (نهج الفصاحه، ۱۲۹)

رباخواری یکی از عوامل اصلی فقر و اختلاف طبقاتی است. همان گونه که می دانیم یکی

۱- خَبَطُ» به معنای افتادن و برخاستن و عدم تعادل به هنگام حرکت است.

از عوامل فحشاء، فقر و فشار اقتصادی است که سبب شکست جوانان در تشکیل خانواده و کشانیده شدن آنها به فساد است. اگر ریشه فقر خشکانیده شود، لااقل بخش مهمی از فحشاء و فساد اخلاقی از میان خواهد رفت. آنها که مقدمات فقر را در جامعه فراهم می‌سازند، در فساد و انحراف اخلاقی آن شریک هستند و عمل آنها با چندین برابر عمل منافی عفت برابری می‌کند. لذا در بسیاری از روایات رباخواری با اعمال منافی عفت مقایسه شده و از آن بدتر شمرده شده است.^۱

د) پیدایش دشمنی و کینه و در نتیجه بزهکاری

وجود دشمنی و کینه بین افراد جامعه زمینه ساز بزهکاری و هنجارشکنی است از این رو بین حرام خواری و بزهکاری از این جهت رابطه وجود دارد. خداوند در آیه ۹۱ سوره مائده، بیان می‌دارد:

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ .

همانا شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی‌دارید؟ با آن که طبق آماري که ارائه می‌شود، بسیاری از قتل‌ها، جرائم، تصادفات، طلاق‌ها، امراض روانی، کلیوی و ... ناشی از شراب است، اما قرآن در این آیه در بیان فلسفه‌ی تحریم، روی دو نکته تأکید دارد: یکی ضرر اجتماعی یعنی کینه و عداوت و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از نماز و یاد خدا. این آیه برجسته‌ترین اثر شراب و قمار را بازداشتن از یاد خدا و نماز دانسته است، (قرآنتی، ۱۳۹۰، ۲: ۳۶۸)

در ربا نیز گرفتن پول اضافی، بدون انجام کاری مفید و یا مشارکت در تولید، نوعی ظلم و اجحاف است که موجب پیدایش دشمنی و قساوت می‌شود. آیات مربوط به ربا، بدنال آیات انفاق آمد، تا دو جهت خیر و شر را که توسط مال و ثروت پدید می‌آید مطرح کند. انفاق یعنی دادن بلاعوض و ربا یعنی گرفتن بلاعوض. هر آثار خوبی که انفاق دارد، مقابلش آثار سوئی است که ربا در جامعه پدید می‌آورد. (قرآنتی، ۱۳۹۰، ۲: ۳۷۰) در تفسیر کبیر فخر رازی آمده است: وقتی رباخوار، عواطف و عدالت انسانی را در خود محو کند، خود و اموالش مورد نفرین فقرا قرار می‌گیرد و کینه و انتقام و توطئه سرقت هر لحظه او را تهدید می‌کند و این نمونه‌ای از آن نابودی است که در آیه مطرح شده است.

۱- در حدیثی از پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «یا علی درهم ربا أعظم عندالله من سبعین زنیة؛ ای علی! یک درهم ربا از نظر گناه و معصیت بدتر از هفتاد بار زنا است».

همچنین آیه ۲۷۶ سوره بقره^۱ یادآور می‌شود که هرچند رباخوار به قصد انباشت ثروت، از دیگران ربا می‌گیرد، ولی خداوند برکت و آثار خوبی که باید ازدیاد مال داشته باشد از ربا می‌گیرد. لازم نیست خود مال ربوی از بین برود، بلکه اهدافی که از افزایش ثروت در نظر است از بین می‌رود. در نظام ربوی، سعادت، محبت و امنیت نیست و چه بسیار ثروتمندانی که از سرمایه خود، هیچ نوع راحتی و آرامش و یا محبوبیتی بدست نمی‌آورند، ولی در نظامی که در آن انفاق، صدقه و قرض الحسنه رایج باشد، آن جامعه از برکات زیادی برخوردار است. در آن نظام، فقرا مأیوس نبوده و اغنیا در فکر تکاثر نیستند. محرومان به فکر انتقام و سرقت، و اغنیا نگران حراست و حفاظت اموال خود نمی‌باشند و جامعه از یک تعادل نسبی همراه با الفت و رحمت و تفاهم و امنیت برخوردار خواهد بود.

بنابراین نظام اقتصادی بر اساس ربا روبه نابودی است. و نابود کردن مال ربوی، از سنت‌های الهی است. و رباخوار، بسیار ناسپاس و گنهکار است. او با گرفتن ربا خود را ضامن مردم، زندگی خود را حرام، عبادتش را باطل، و حرص و طمع قساوت را بر خود حاکم می‌گرداند. و در نتیجه رباخوار، از رحمت و محبت الهی محروم است. (قرائتی، ۱۳۹۰، ۱: ۴۴۰)

طبق آیه ۱۳۰ سوره آل عمران، رستگاری با رباخواری بدست نمی‌آید، بلکه با تقوا حاصل می‌شود و رباخوار، نه در دنیا رستگار است، (به خاطر تشدید اختلافات طبقاتی که منجر به تفرقه و کینه‌ی محرومان و انفجار آنها می‌شود) و نه در آخرت. (به خاطر گرفتاری به قهر خداوند). (قرائتی، ۱۳۹۰، ۱: ۶۰۵)

بنابراین در آیه شریفه فلاح و رستگاری نتیجه دوری از ربا و پرهیزکاری آمده است. همان گونه که در آیه ۹۰ سوره مائده، آمده است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانا شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه، پلید و ازکارهای شیطان است، پس از آنها پرهیزید، تا رستگار شوید.

بنابراین خوردن لقمه‌ی حلال و پرهیز از حرام‌خواری، در سعادت و رستگاری انسان مؤثر است.

ه (قتل و جنایت :

در سوره نساء آیه ۲۹ خطاب به مؤمنان آمده است، می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ*

۱- *يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ* خدا ربا را نابود می‌کند، و صدقات را فزونی می‌دهد؛ و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد.

رَحِيماً إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را در میان خود به باطل (از راه نامشروع) مخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضایت میان شما انجام یابد، و خودکشی نکنید و همدیگر را نکشید، و خود را به هلاکت گناه نیفکنید که همانا خداوند همواره به شما مهربان است. (نساء / ۲۹)

اکنون این سؤال پیش می‌آید که چه ارتباطی میان مسئله قتل نفس و تصرف باطل و ناحق در اموال مردم وجود دارد ؟

پاسخ این سؤال روشن است و در حقیقت قرآن با ذکر این دو حکم پشت سر هم اشاره به یک نکته مهم اجتماعی کرده است و آن اینکه اگر روابط مالی مردم بر اساس صحیح استوار نباشد و اقتصاد جامعه به صورت سالم پیش نرود و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند، جامعه گرفتار یک نوع خودکشی و انتحار خواهد شد، و علاوه بر اینکه انتحارهای شخصی افزایش خواهد یافت، انتحار اجتماعی هم از آثار ضمنی آن است

حوادث و انقلاب‌هایی که در جوامع مختلف دنیای معاصر روی داده، شاهد گویای این حقیقت می‌باشد، و از آنجا که خداوند نسبت به بندگان خود، مهربان است به آنها هشدار می‌دهد و اعلام خطر می‌کند که مراقب باشند مبادا مبادلات مالی نادرست و اقتصاد ناسالم، اجتماع آنها را به نابودی و سقوط بکشاند. (مکارم شیرازی ، ۱۳۷۶ ، ج ۳ : ۳۵۷)

خداوند متعال در این آیه از قرآن به یک نکته مهم اجتماعی اشاره می‌فرماید و آن این که اگر روابط مالی مردم براساسی صحیح استوار نباشد و در اموال یکدیگر به ناحق تصرف کنند ، قتل و دگرکشی و انتحار اجتماعی ثمره آن خواهد بود .

بررسی‌ها نشان می‌دهد در کنار عوامل دیگری همچون اختلافات خانوادگی ، رقابت‌ها ، حسادت‌ها و ... که سهم زیادی از قتل‌ها و زندانی‌ها را به خود اختصاص داده است ، بخش قابل توجهی نیز ثمره زیاده‌خواهی ، مال حرام و حرام‌خواری می‌باشد .

عباشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که مردی از اصحاب عرض کرد فدایت شوم برای چه خداوند مردار و خون و گوشت خوک را حرام نموده است؟ فرمود خداوند تبارک و تعالی چیزی را حرام ننموده و یا چیزهایی را حلال نکرده مگر برای حفظ مصالح خود مردم و بندگان، نه آنکه بنا بمیل و اراده خود بعضی چیزها را حلال نموده و بر اثر بی‌میلی و اراده نداشتن چیزهایی را حرام کرده است خداوند که بندگان را خلق نموده میدانند چه چیزهایی سبب قوام بدن آنها می‌باشد و جسم و تن آنها را باصلاح می‌آورد آنها را حلال فرموده و آنچه را که بانسان ضرر میرساند از راه لطف و تفضل حرام و نهی نموده و در حالت اضطرار و وقتی که دسترسی بچیزی نباشد باندازه که تلف نشود مباح فرموده که تا مختصری مصرف کند نه زیادتر. اما گوشت مردار

که حرام شده اگر کسی بخورد بدن را ضعیف و ناتوان گرداند و جسم را آب کند و قوای بدنی را سست و نسل منقطع شود و بمرگ ناگهانی و سگته بمیرد- خوردن خون هم سبب جراحات معده و کلیه و قساوت قلب و بی رحمی میشود بطوریکه رحم نکند بر فرزند و پدر و مادر و دوست صمیمی خود حتی حاضر بقتل آنها میشود- خوردن گوشت خوک نیز سبب بی غیرتی و بی تعصبی و فساد اخلاق و معایب دیگر شود و خداوند عده از قوم بنی اسرائیل و یا سائر ملل را بصورت خوک و خرس مسخ نمود و نهی فرمود از اینکه مردم با آنها منتفع شوند تا آنکه بعقوبت آنها گرفتار نکردند، و شراب حرام شد برای فسادی که در اوست و شراب خوار مانند بت پرست میباشد و شرابخواری موجب ارتعاش اعضاء و بدن است و نورانیت شخص را زایل نماید و مروت و جوانمردی را ببرد و بکارهای زشت از قبیل آدم کشی و خونریزی و زنا با اقرباء و محارم وادار کند و شراب خمر عقل را از دست داده و به هر مفسده و فتنه ای کشیده می شود (تفسیر عیاشی، ج ۱ ص ۲۹۱، طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵ : ۳۰۹، بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۲ : ۱۵۷)

و (پیدایش قساوت قلب و در نتیجه بزهکاری

یکی از پیامدهای لقمه ی حرام، سنگدلی و سیاهی قلب است، به گونه ای که دیگر هیچ پند و اندرزی در او اثر نمی کند و سخت ترین رنج های دیگران، دل او را به درد نمی آورد. این امر سبب می شود که فرد هیچ نوع احساس همدلی و ترحم با بزه دیده نداشته باشد . بنابراین نسبت به سرنوشت دیگری بی اعتنا باشد چنین فردی از تماشای رنج و عذاب دیگری احساس خاصی به او راه نمی یابد.

امام حسین(علیه السلام) در خطبه روز عاشورا به مردمی که به جنگ او آمده بودند فرمود : فقد ملئت بطونکم من الحرام و طبع علی قلوبکم شکم هایتان از حرام پر شده و بر دلهایتان مهر خورده است. دیگر حق را نمی پذیرید و به آن گوش نمی دهید.(**قمی** ، ۱۳۸۴ : ۲۴۵ و مجلسی ، ۱۳۷۴ ، ۵۴ : ۸)

این نکته ی تاریخی گویای آن است که لقمه ی حرام، قلب را تیره و تار میکند. در این حالت، فرد از پذیرش حق و تسلیم شدن در برابر آن خودداری می کند و از هیچ جنایتی روی گردان نیست و اسارت شیطان را در پی دارد . امام حسین (ع) لحظه وداع در جواب امام سجاد (ع) که پرسید: عاقبت کار شما با این مردم به کجا رسید؟ جواب قرآنی داد و این آیه را تلاوت فرمود : لقد استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله یعنی شیطان بر آنها مسلط شد و آنها خدا را فراموش کردند .

و البته آثار منفی حرام خواری در وجود شخص خلاصه نمی شود، بلکه در نسل او نیز استمرار می یابد. شیطان از طرق گوناگون و به وسیله دستیاران فراوان از جنس خود و آدمیان ، برای اغوای مردم از طریق شریک شدن در ثروت و فرزند انسان اقدام می نماید .

در اموال و اولاد بندگان شریک شو و به آنها وعده دروغ بده و ای بندگان بدانید که وعده شیطان چیزی جز غرور و فریب نخواهد بود (اسراء / ۶۴) .

یکی از راه‌های شراکت شیطان در ثروت و اموال انسان همان لقمه حرام است که در زندگی وارد می‌شود. وقتی لقمه حرام با گوشت و پوست انسان عجین شد مقدمه ای برای تولد فرزندان ناخلف و سرکش فراهم خواهد شد. چه بسیار فرزندان را دیده‌اید که به سمت قانون شکنی، خلافتکاری، بزهکاری و... کشیده شده‌اند که حاصل همان ثروت و اموال حرام و نامشروعی بوده است که توسط والدین کسب شده و موجب شراکت شیطان در ثروت و اولاد انسان گردیده است

امام صادق(ع) می‌فرماید: کسب الحرام یبین فی الذریه؛ آثار کسب حرام در نسل آدمی آشکار می‌شود؛ (کلینی ۱۳۷۴، ج ۱: ۳۶۳) زیرا کسی که از راه نامشروع مال جمع کند، در اثر تغذیه، حرام، زمینه، گمراهی را در فرزندانش آماده می‌کند و خودش هم نمی‌تواند به راه مستقیم هدایت شود.

همچنین طبق آیات قران (۱۷۳/ بقره، ۱۴۵ / أنعام، ۳/مائده، ۱۱۵ / نحل) خوردن خون حرام است و امام صادق علیه السلام فرمود: و اما خوردن خون، انسانها را چون سگ، درنده و قسی القلب می‌سازد و رأفت و رحمت را کم می‌کند، تا جایی که کشتن فرزند و پدر و مادر از او احتمال می‌رود، و دوست و همنشین او نیز از خطر او ایمن نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۳۰۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۱)

ز (ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران

یکی از بلاهای بزرگی که از قدیم‌ترین زمان‌ها دامنگیر بشر شده و امروز با شدت بیشتر ادامه دارد، بلای رشوه‌خواری است که یکی از بزرگترین موانع اجرای عدالت اجتماعی بوده و هست و سبب می‌شود قوانین که قاعدتا باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد به سود مظالم طبقات نیرومند که باید قانون آنها را محدود کند به کار بیفتد .

زیرا زورمندان و اقویا، همواره قادرند که با نیروی خود، از منافع خویش دفاع کنند، و این ضعفا هستند که باید منافع و حقوق آنها در پناه قانون حفظ شود، بدیهی است اگر باب رشوه گشوده شود قوانین درست نتیجه معکوس خواهد داد، زیرا اقویا هستند که قدرت بر پرداختن رشوه دارند و در نتیجه قوانین بازیچه تازه‌ای در دست آنها برای ادامه ظلم و ستم و تجاوز به حقوق ضعفا خواهد شد .

به همین دلیل در هر اجتماعی، رشوه نفوذ کند، شیرازه زندگی آنها از هم می‌پاشد و ظلم و فساد و بی‌عدالتی و تبعیض در همه سازمانهای آنها نفوذ می‌کند و از قانون عدالت جز نامی باقی نخواهد ماند لذا در اسلام مساله رشوه‌خواری با شدت هر چه تمام‌تر مورد تقبیح قرار گرفته و

محکوم شده است و یکی از گناهان کبیره محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷)

نتیجه گیری

بررسی آثار اجتماعی مال حرام نشان می‌دهد که وقتی فرد اجتماع از گرفتن مال حرام ابایی نداشته باشند و هر کس تنها به این فکر باشد که چگونه جیب خود را پر نموده و جیب دیگران را خالی کند، روح برادری و نوع دوستی از جامعه رخت بر می‌بندد، و در نتیجه، اخلاق اجتماعی در جامعه به خطر می‌افتد؛ چه این که تغییر سرنوشت اجتماع در گرو تغییر اخلاق و رفتار مردم است.

بنابراین، لقمه‌هایی که برگرفته از درآمدهای حرام است، بر رفتار و اخلاق اجتماعی اثر نامطلوب می‌گذارد؛ چرا که درآمدهای حرام در جامعه، منشأ ایجاد کینه و دشمنی می‌شود و صلح و صفا را از بین می‌برد. به تعبیر واضح‌تر، وقتی انسان راه خود را بر کسب حرام باز دید و برای لقمه حلال و حرام تفاوتی قائل نشد، حریم‌های اجتماعی را نیز نادیده خواهد گرفت و دیگر فرقی میان خیانت، دزدی، کلاهبرداری، و ... نخواهد گذارد، و لذا امنیت جامعه از بین خواهد رفت.

همچنین گسترش لقمه حرام در جامعه موجب از بین رفتن فضایل می‌گردد، و نه تنها فرد را از انسانی تساقط، و نسل انسانی را فاسد می‌کند؛ بلکه اجتماع را به مخاطره می‌اندازد و باعث متلاشی شدن اصول اخلاق اجتماعی شده، در اثر فروپاشی این اصول، جامعه دچار هرج و مرج و بی‌بندوباری می‌شود.

بر خلاف کسب و درآمد حلال و رزق طیب که موجب سلامت اجتماعی می‌شود؛ چون شخص امین مردم و مورد اعتماد آن‌ها قرار می‌گیرد و بوسیله او مشکلات افراد گرفتار و رفتاری‌های اجتماعی حل می‌شود و در نتیجه اگر تبدیل به فرهنگ عمومی شود باعث نزول برکات الهی می‌شود (لوان اهل القری . . .) و البته باعث رعایت حق الناس و حقوق دیگران می‌شود دیگر کسی به مال و سرمایه کسی طمع نمی‌کند چون از نظر اسلام هرکاری که باعث ضرر به دیگران شود و امنیت مردم از جمله امنیت اقتصادی آنها را به خطر اندازد و باعث فساد در جامعه شود و دیگران را بیچاره کند حرام است و جرم محسوب می‌شود.

در آخر مطالب را با حدیثی از رسول اکرم (ص) به پایان می‌بریم:

«إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ». (کلینی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۴)

بیمناک‌ترین چیزی که بر امت خود از آن می‌ترسم، این درآمدهای حرام است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- سید رضی ، محمد بن حسین موسوی ، نهج البلاغه ، موسسه نهج البلاغه ، چاپ اول ، ۱۴۱۴ .
- بروجردی ، سید محمد ابراهیم ، تفسیر جامع ، انتشارات صدر ، چاپ ششم ، ۱۳۶۶ .
- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، دار الکتب الاسلامیه ، تاریخ انتشار ۱۳۷۶ .
- قزاقی ، محسن ، تفسیر نور ، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن ، چاپ ششم ، تابستان ۱۳۹۰ .
- کلینی ، محمد بن یعقوب ، اصول کافی ، جلد ۵ ، انتشارات دار الکتب الاسلامیه ، چاپ پنجم ، ۱۳۷۴
- حر عاملی ، محمد بن الحسن ، وسائل الشیعه ، جلد ۱۶ ، انتشارات اسماعیلیان ، بیروت ، ۱۳۸۵
- مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۴ .
- قمی ، عباس ، نفس المهموم ، قم ، مکتبه بصیرتی ، ۱۳۸۴ .
- ستوده ، هدایت الله ، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی ، تهران ، آوای نور ، ۱۳۷۶ .
- قمشه ای ، مهدی ، ترجمه قرآن ، ج ۱ ، انتشارات فاطمه الزهرا ، چاپ دوم ، ۱۳۸۰ .
- برقی ، ابو جعفر ، احمد بن محمد بن خالد ، المحاسن ، دار الکتب الإسلامیه ، قم - ایران ، دوم ، ۱۳۷۱ هـ ق
- طباطبایی ، محمد حسین ، ترجمه تفسیر المیزان ، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ پنجم ، ۱۳۷۴ .
- ستوده ، رضا ، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، انتشارات فراهانی ، تهران ، چاپ اول ، ۱۳۶۰ .
- قائمی ، علی ، آسیب ها و عوارض اجتماعی ، تهران ، انتشارات امیری ، ۱۳۶۶ .
- فیض علیرضا ، مقارنه و تطبیق در جزای عمومی اسلام ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۰ .
- معین ، محمد ، فرهنگ فارسی ، انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۶۰